147021 ـ از آثار اشتباه در فهم چگونگی قدرت خداوند متعال و آنچه به آن تعلق می‌یابد

سوال

سوالی دربارۀ صفات الله دارم. من در محیطی زندگی می‌کنم که مردم در آن گمان می‌کنند خداوند می‌تواند در مخلوقات خود حلول یابد و در آن‌ها زندگی کند! آنان برای اثبات این ادعا به نزول خداوند به آسمان دنیا استدلال می‌کنند. امیدوارم این مسئله را برایم توضیح دهید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

آنچه شما بیان کردید یک اعتقاد فاسد است و نتیجۀ جهل این اشخاص به حقیقت قدرت الله متعال است. استدلال آنان به نزول خداوند به آسمان دنیا به سبب جهل آنان دربارۀ صفت نزول الله تعالی است و به سبب نادانی دربارۀ پروردگار متعال و آنچه شایستۀ صفات جلال و بزرگواری اوست.

قدرت پروردگار به آنچه در ذات خود ناممکن است تعلق نمی‌گیرد بلکه به ممکنات ـ یا جائزات ـ تعلق می‌یابد.

مثالی از آنچه ناممکن و مستحیل است: برگرفتن شریک و همسر و فرزند برای الله است، زیرا ایجاد این‌ها مستلزم نقصی است که شایستۀ پروردگار عزوجل نیست. الله تعالی می‌فرماید:

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [انعام: ۱۰۱]

(پدید آورندۀ آسمان‌ها و زمین است، چگونه او را فرزندی باشد در صورتی‌که برای او همسری نبوده و هر چیزی را آفریده و اوست که به هر چیزی داناست).

بنابراین، آنچه اهل سنت می‌گویند این است که قدرت پروردگار از روی کمال او به این موارد تعلق نمی‌یابد؛ زیرا این‌ها نقص است و شایستۀ پروردگار عزوجل نیست زیرا چگونه ممکن است که او پروردگار و واحد باشد و در عین حال شریک داشته باشد؟!

و چگونه ممکن است پروردگار باشد و نیازمند همسر و فرزند؟!

همین را می‌توان دربارهٔ آن‌چه در سؤال شما دربارهٔ این مردم گفت که گمان می‌کنند قدرت خداوند به آن‌چه گفتند تعلق می‌گیرد حال آن‌که چنین چیزی یعنی آن‌که خداوند ـ والعیاذ بالله ـ داخل چیزی از مخلوقات خود برود غیر ممکن است و این نقصی است که پروردگار متعال از آن منزه است چراکه او ـ عزوجل ـ بالای مخلوقات و جدا از آنان و بر عرش خود است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«شکی در این نیست که خداوند بر هر چیزی تواناست، چنان‌که قرآن در چندین موضع بیان کرده است... اما آن‌چه در ذات خود ممتنع است به اتفاق عاقلان یک چیز نیست و وجود آن در خارج [از ذهن] عقلانی نیست چرا که در خارج [از ذهن] عقلانی نیست که چیز در یک آن هم باشد و هم نباشد، یا هم متحرک باشد و هم ساکن و... و در این حالت این چیز در عموم کتاب وارد نمی‌شود» (الصفدية: ۲/ ۱۰۹).

شیخ محمد بن صالح العثیمین می‌گوید: «ناممکن یک چیز نیست تا چه رسد به آن‌که در توان آید، اما ناممکن که در ذهن تصور می‌شود یا ناممکن به ذات است یا ناممکن به غیر، ناممکن به ذات مانند آن است که کسی بگوید: آیا الله قادر است که مانند خود بیافریند؟

اینجا می‌گوییم: این مستحیل است، اما خداوند قادر است که خلقی بزرگتر از آن‌چه اکنون می‌دانیم بیافریند و ما می‌دانیم که بزرگترین مخلوقی که از آن آگاهیم عرش است. عرش از همهٔ مخلوقاتی که می‌دانیم بزرگتر است اما با این حال می‌دانیم که خداوند قادر است بزرگتر از عرش را بیافریند اما چیزی که در ذات خود مستحیل است، امکانش نیست. چیز دوم: مستحیل به غیر خود است، به این معنی که الله تعالی این چیز را بنابر این عادت مستمر به جریان گذاشته که ممکن نیست این عادت و این روند تغییر یابد، اما الله قادر است که آن را تغییر دهد.

در این مورد می‌گوییم که قدرت خداوند به این چیز تعلق می‌یابد و ممکن است چیزی که ما آن را به حسب عادت و روند موجود ناممکن می‌دانیم بر حسب قدرت پروردگار روا باشد و این چیز بسیار است، همهٔ معجزات انبیا از این باب مستحیل به غیر بوده است؛ نیمه شدن ماه برای پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ مستحیل بغیره بوده، اما به ذات خود ناممکن نبود؛ زیرا رخ داد و الله قادر است که ماه را دو نیم کند، بلکه قادر است خورشید را دو نیم کند.

ما می‌گوییم: باید در این باره به تفصیل سخن گفت: و آن این است که قدرت خداوند به آن‌چه در ذات خود مستحیل و ناممکن باشد تعلق نمی‌یابد زیرا چنین چیزی موجود نیست و نمی‌تواند رخ دهد و ذهن آن را فرض نمی‌کند» (شرح العقيدة السفارينية: ۱۹۲).

ثانیا:

اما اشتباه آنان دربارۀ نزول پروردگار تبارک و تعالی، این گمان نارواست که نزول الله مانند نزول مخلوقات است و از آن‌جایی که این تشبیه در دل آنان خطور کرده گمان برده‌اند که این نزول مانند نزول بشر مستلزم مخالطت و قرار گرفتن او در پایین چیزی است که به آن نازل شده است.

اما این گمانی است فاسد و اعتقادی است باطل، چرا که الله تعالی دربارۀ خود می‌فرماید:

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ [شوری: ۱۱]

(چیزی همانند او نیست).

و همین دلیل برای بیان آن‌که نزول پروردگار تعالی به آسمان دنیا در یک سوم پایانی شب مانند نزول بندگان او نیست و دربارۀ دیگر صفات پروردگار نیز باید همین اعتقاد را داشت؛ صفاتی مانند استوا و خشم و چهره و دو دست و علم و رحمت و دیگر صفات. هیچ تفاوتی میان صفات ذاتی و صفات خبری و صفات فعلی نیست بلکه همۀ این صفات در این‌که مانند هیچ‌یک از صفات بندگان نیستند برابرند.

بر اساس آن‌چه بیان شد، جنبۀ خطا و خلل در فهم این گروه و خطر این اعتقاد آنان دربارۀ پروردگار و چگونگی پاسخ به آنان برای شما آشکار می‌گردد.

همچنین به پاسخِ پرسش شمارۀ (39679) مراجعه نمایید.

والله اعلم.